

رهنمودهاي قرآني وروايي در ايجاد وحدت و تمدن نوين اسلامي

رهنمودهاي قرآني وروايي در ايجاد وحدت و تمدن نوين اسلامي

[عبدالغفور جامي رودي \[1\]](#)

[توفيق جامي رودي \[2\]](#)

[توحيد جامي رودي \[3\]](#)

چکیده

وحدت به معني يکي بودن ، يگانگي و هماهنگي بودن اجتماع مي باشد و از نظر فلاسفه اي چون شيخ اشراق؛ از اموري است که جز به مقابله با کثرت ، قابل تمديد و تعريف نمي باشد . وحدت همان صراط مستقيمي است که قرآن ، احاديث و سنت پيامبر و ياران او ، ميبن آن است و مخالفت با آن مخالفت با سخن خداوند و کفر محسوب مي شود و اين همان چيزي است که شاعران و نويسندگان گران قدر فارسي زبان به پيروي از دستورات خدا و رسول و برگزیدگان اسلامي ، بارها درباره ي آن سخن گفته اند . آن چه مسلم است با استناد به آيات ، روايات و ادبيات مي توان نتايج ارزشمندی را از وحدت به عنوان شيوه ي اصیل قرآني برداشت نمود که از آن جمله

می توان به : محوریکتاپرستی و استوارساختن نقاط هم بستگی ، برادری اسلامی ؛ پیروی از پیامبران ، همدردی و یاوروی ، فلسفه ی بعثت پیامبران ، برکت و رحمت الهی ، رشد عقل ؛ اطاعت از امیر ؛ منشأ بهروزی وسعادت و عزت ؛ کاهنده ی تنش ها و اختلافات و... اشاره کرد. برای رسیدن به وحدت مطلوب راهکارهایی چون: چنگ زدن به ریسمان الهی، امر به معروف و نهی از منکر، تعامل علمی با فرهیختگان مذاهب، آسان گیری و اغماض در مسائل اختلافی، پرهیز از تعصبات خشک مذهبی، پرهیز از توهین به مقدسات مذهبی یکدیگر، پرداختن به مسائل کلان امت اسلامی و در نهایت سعی و کوشش در جهت گسترش عدالت اجتماعی و کم کردن فاصله طبقاتی مذاهب مختلف توصیه می شود. در این پژوهش سعی شده است تا اهمیت وحدت با استناد به آیات و روایات و نیز آثار ادبی مورد بررسی قرار گرفته و سپس راهکارهای ایجاد وحدت بیان گردد.

واژگان کلیدی: آیات و روایات، ادبیات، پیشرفت، محبت، مساوات، مودت، وحدت .

1) مقدمه

به نام مهربانی که رحمتش همه ی هستی را فرا گرفته و درود و سلام بر پیامبر رحمتی که با قلب مهربانش، شفقت و محبت و رحمت را چون شربت گوارا به امتش نوشاند.

از موضوعات بسیار مهم و ارزشمندی که در قرآن کریم و سخنان گرانقدر پیامبر اکرم (ص) و یاران و اهل بیت بزرگوارشان و نیز در اشعار سخن سنان اقیانوس بی کران زبان فارسی به آن توجه شده است وحدت، همدلی و تألیف قلوب است؛ و این همان چیزی است که عقل و فطرت انسان آن را ستایش می کند .

نکته ی وحدت مجوی از دل بی معرفت گوهر يك دانه رادردل دریا طلب (وحشی بافقی، 1370: 162، قصاید)

اگر چه وحدت را می توان به شاخه هایی چون وحدت مرام و وحدت ملی تقسیم کرد اما مراد ما در این زمینه بیشتر بحث راجع به وحدت اسلامی می باشد که باعث می شود تا اسلام، معنویت و روحانیت خود را حفظ کرده بیش از پیش مستحکم تر نماید و جلوی بهره برداری استعمار و تجزیه شدن کشورهای اسلامی را بگیرد.

از طرفی دیگر همواره حفظ نظام اسلامی و مصالح عمومی بر منافع شخصی و گروهی مقدم بوده است و

اینان از هر اقدامی که تفرقه و شکاف میان جماعت اسلامی را به دنبال داشته باشد، اگرچه نفع شخصی در آن می‌دیدند، احتراز می‌کرده‌اند و این بهترین الگو برای پیشرفت اسلام و ایران عزیزمان است. زیرا تفرقه و تشت باعث درگیری و نزاع بین اقوام و مذاهب گوناگون گشته و افکاری که باید صرف پیشرفت و ترقی یک کشور شود به انحطاط کشیده شده و رنگ می‌بازد. به همین دلیل چه در ایران اسلامی و چه در سایر کشورهای اسلامی همواره مصلحان و نویسندگانی بوده‌اند که با قدم و قلم گام در راه وحدت نهاده‌اند که از اطلاعات و تجربیات بخشی از این نویسندگان عالی قدر در این پژوهش به عنوان مأخذ بهره‌گیری شده است.

2- معنا و نقش وحدت و انسجام اسلامی

وحدت و اتحادیه معنی یکی بودن و هماهنگ بودن اجتماع در اصل از ریشه «وحد» به مفهوم یکتایی و یگانگی می‌باشد و از نظر فلاسفه ای چون شیخ اشراق؛ از اموری است که قابل تمدید و تعریف نمی‌باشد مگر به مقابله با کثرت. (معین، 1384: 3437، ج4) بنابراین می‌توان گفت معنای اتحاد این است که چند شیء در عین کثرتشان، مشترک باشند و به لحاظ اشتراکشان، نوعی وحدت حاصل کنند.

وحدت همان چیزی است که کتاب آسمانی، احادیث پیامبر و سنت پیامبر و یاران ایشان مبسوط آن است و عقل و فطرت انسان آن را ستایش می‌کند.

وحدت همان صراط مستقیم است و مخالفت با وحدت در حقیقت همان مخالفت با سخن خداوند در قرآن کریم است که این عمل بدترین نوع کفر محسوب می‌شود.

وحدت باعث می‌شود تا از تشتت و تفرقه جلوگیری شود و اصول را که همان خدای واحد، پیامبر واحد، قبله ی واحد، قرآن واحد و... است؛ سرلوحه ی کارمان قرار دهیم و با برادری، یکرنگی و وحدت در میان مسلمانان موجبات نزول رحمت و خیر الهی را فراهم آوریم.

آنچه از مجموع مفاهیم قرآنی، بیانات و سیره پیامبر و یاران برگزیده اش فهمیده می‌شود، این است که همواره حفظ نظام اسلامی و مصالح عمومی بر منافع شخصی و گروهی مقدم بوده است و اینان از هر اقدامی که تفرقه و شکاف میان جماعت اسلامی را به دنبال داشته باشد، اگرچه نفع شخصی در آن

1/2- وحدت در قرآن

انسان موجودی مدنی است و هیچ تفاوتی بین توده مردم وجود ندارد و قرآن برای ما نازل شده تا از دستورات الهی و قانونی آن پیروی کنیم. در قرآن هر موضوعی به طور روشن بیان شده و هر کس به اندازه‌ی استعداد و نیروی ذهنی خود از آن بهره‌مند می‌شود. یکی از این موضوعات بسیار مهم و قابل توجه، موضوع وحدت است که با مفاهیمی چون: «واعتموا» (1)، «تعاونوا» (2)، «اصلحوا» (3)، «اصلاح بین الناس» (4)، «الرف بینهم» (5)، «امّةٌ واحدة» (6)، «امّةٌ وسط» (7)، «حزباً واحداً» (8)، «صبغةً واحدة» (9) و «اخوة» (10) آمده است.

قرآن به مسأله اتحاد از دیدگاه اجتماعی آن نگریسته و بر اهمیت اتحاد میان جهانیان، ادیان، مسلمانان و نهاد خانواده تأکید کرده است و پیوند میان دل‌های مؤمنان را نوعی تصرف الهی می‌شمارد و برای ایجاد و حفظ چنین یگانگی، بعثت پیامبران به همراه شرایع را ضروری می‌داند و برای برقراری یگانگی و نیز حفظ آن، راه کارهای گوناگونی را پیش‌بینی کرده که بخشی از آن، جنبه پیش‌گیری از تفرقه، و بخشی دیگر به درمان آن ناظر است.

از نظر قرآن، انسان‌ها از جنس مذکور مؤنث آفریده شده‌اند. (حجرات: 13) و مردمان امتی یگانه و واحد می‌باشند. (بقره: 213) و تفاوت رنگ و زبان آن‌ها مایه‌ی امتیاز و برتری نیست بلکه نشانه‌های قدرت الهی است. قرآن می‌کوشد تا همه‌ی انسان‌ها را در یک جامعه‌ی جهانی گردآورد و جهانی شدن به عنوان یک فرایند طبیعی و جهانی‌سازی به عنوان یک برنامه‌ی اسلامی مورد تأکید و تأیید اسلام و قرآن است. قرآن در کنار برنامه‌های تشریحی، پیروان مذاهب و شریعت‌های مختلف را به گردآمدن به نقاط مشترک با یکدیگر فرا می‌خواند. (آل عمران: 64) و بدین ترتیب، بنیاد جامعه‌ی جهانی آرام و امن همراه با احترام متقابل به فرهنگ‌ها و ملیت‌ها را پایه‌گذاری می‌کند و خود را کتاب مصدّق می‌نامد. (بقره: 41).

محور وحدت در دیدگاه قرآنی «توحید» و در مرتبه‌ای دیگر دین اسلام است. قرآن کریم پیامبر را به سوی اهل کتاب می‌فرستد و از آنان برای پیوستن به شعار توحید و جدایی از غیر او دعوت می‌کند: «ای پیامبر! به اهل کتاب بگو، بیایید بر اساس کلمه‌ای که بین ما و شما مشترک است، غیر از خدا را نپرستیم و یکدیگر را در برابر خداوند بعنوان رب و پروردگار نگیریم (وحدت کنیم). پس اگر روی برگردانند بگویند، شاهد باشید که ما اهل تسلیم در برابر حق هستیم». (آل عمران: 64)

آیه شریفه فوق نشان می‌دهد که مرز اتحاد «توحید» است و مشرکان و کافران که بر محور غیر توحید حرکت می‌کنند، در وحدت دینی پذیرفته نخواهند شد. در تبیین محور وحدت، آیات دیگری نیز وجود دارد که اعتقاد به رسول خدا، اعتقاد به اولی‌الامر و قبول حکم را اضافه می‌کند. به این ترتیب وحدت واقعی با توجه به این آیات تفسیر می‌شود. و این همانی است که ملک الشعراء بهار بسیار زیبا مارا به حق خواهی و یکتا پرستی در سایه ی توحید فرامی‌خواند

روزدینداری و روز یاری است

وقت حق خواهی و حق‌گزاری است

برتو او و ماجله جاری

حکم اسلام و حکم پیامبر

است

کاین سخنها ز دشمن شعاری است

ما و او بی نباشد در اسلام

(سبزیان، 1386: 183)

عطار همه ی انسان ها را شناگرانی دردرباری وحدت و یکتا پرستی برمی‌شمارد که اگرچه بسیار زیاده‌ستند ولی از یک گوهر گرفته شده اند:

گرچه بسیارند لیکن درصفت یک گوهرند

جمله غواصند دردرباری وحدت، لاجرم

(عطار نیشابوری، 1371: 159)

ودرنهایت مولانا به عنوان خلاق ترین، و خوش نام ترین شاعر ادبیات فارسی که مفاهیم وزین قرآنی و پیام های گرانقدر پیامبر اکرم (ص) در اشعار او نقش بسته است در این باره می‌گوید:

اختلاف خلق از نام او فتاد

چون به معني رفت آرام او فتاد

اتحاد خالي ارزشـرک ودويي

باشد از توحيد يي ما وتويي

آفرين بر عشق کل او ستاد

صدهزاران ذرّه را داد اتحاد

(مولوي، 1371: 96، دفتر 2)

وباز درهمين دفتر به صورتي بسيار ماهرانه واستادانه مي نويسد:

اين من وما بهر آن برساختي

تا خود با خود ز برد خدمت باختي

تا تو با ما و تو يک جوهر شوي

عاقبت محض چنان دلبر شوي

تا من و تو ماهمه يک جان شوند

عاقبت مستغرق جانان شوند

(هما، 1371: 135، دفتر 2)

1/2/2- وحدت بين امت اسلامي

بر اساس آيات قرآني، وحدت امت، سبب مصونيت دين، تا ييد الهي و نصرت است و نعمتي است که هيچ مسئله اي با آن برابري نمي کند. (انفال: 62 تا 64)

اين يمّين شاعر شيرين سخن و استاد مسلم قطعه سرا ييد، با استناد به آيات فوق، جا يگاه و ارزش اتحاد و همدلي را اين گونه بيان مي کند:

دو دوست با هم اگر يک دل اند درهمه کار

هزار طعنه ي دشمن به نيم جو نخرند (ابن

يمّين، يي تا: 182)

صائب تبریزی شاعر نامدار سبک هندي دردیوان ارزشمند خویش که آکنده از مضمون یابی است در قالب تمثیلی بسیار زیبا، وحدت را به دعای جوشن تشبیه نموده و نتیجه می‌گیرد که دانه تاهنگامی در خرمن و در حضور جمع و به دور از هرگونه افتراق و انفصال است هیچگاه از روزگار زخم و ضربه ملامت نمی‌بیند.

اتفاق دوستان با هم دعای جوشن است سختی از دوران نبیند دانه تادخرمن است (صائب تبریزی، 1382: 314)

بی شک اتحاد و انس و الفت از منتهای الهی است. علی ابن ابی طالب (رض) در خطبه ی 192 نهج البلاغه اتحاد را عامل پیروزی ملت‌ها دانسته و می‌فرمایند: «... و بروح‌دست و همدلی همت گماشتند، و یکدیگر را به وحدت واداشته، به ان سفارش کردند. و از کارهایی که پشت آن‌ها را شکست، و قدرت آن‌ها را در هم کوبید، چون کینه توزی با یکدیگر، پرکردن دل‌ها از بخل و حسد، به یکدیگر پشت کردن و از هم بریدن، و دست از یاری هم کشیدن بپرهیزید.» (علی ابن ابی طالب، 1387: 281)

در آیه ی 103 سوره «آل عمران» آمده است: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا...»؛ یعنی همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید! و نعمت خدا را به خود یاد کنید آن‌گاه که با هم دشمن بودید و اومیان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادر یکدیگر شدید و بر برترگاهی از آتش بودید، و او شمارا از آن رها نید. این آیه شریفه از مسلمانان می‌خواهد که با اسلام از دنیا خارج شوند، از این رو اعتصام به ریسمان الهی با توحید منهای نبوت پیامبر و لوازم آن صادق نیست.

در آیه ی 10 سوره ی حجرات خداوند بیان می‌کند: «انما المؤمنون اخوه واولئاء اولئهم بائنون»؛ یعنی مؤمنان با هم برادرند، میان برادرانتان صلح برقرار کنید و خدا ترس و با تقوا باشید، باشد که مورد لطف و رحمت الهی قرار گیرید.

در آیه ی 136 بقره آمده است: «... لا نفرق بین احد منهم ونحن له مسلمون». خداوند این وحدت را در آیه ی 138 بقره به عنوان صبغه معرفی می‌نماید و می‌گوید: «صبغه الله و من احسن من الله»؛ یعنی «صبغه»^۱

و سرانجام در آیه ی 29 سوره ی فتح می‌خوانیم: «محمد رسول الله و الله ذی الجلال و الاکرام»؛ یعنی محمد رسول خداست و کسانی که با او آیند بر کافران سخت گیر و در میان خود مهربانند. و این همان چیزی است که در کلام مولانا طنین انداز شده است که:

از جام وحدت، جرعه ای بنوشیم:

نقش من از چم تو آواز داد
(مولوی، 1371: 179، دفتر دوم، ب 104)

و نیز:

ز مقام لی مع □ همه هست جام وحدت
شده محو در نظرشان ارنی و لن
ترانیه (همان: 1371)

افرادی همچون مولانا، یکی از بزرگترین شخصیت‌های انسانی و اسلامی، اهمیت شخصیت پیامبر (ص) را به خوبی درک کردند و لی متاسفانه خواننده اشعار مولانا را می‌خواند اما به عمق آن پی نمی‌برد. برای فهم چنین متونی، آگاهی از وجود مطلق که از دیدگاه مولانا همان عشق است و در اصطلاح صوفیان احدیت نام دارد، ضروری است. هرچه بیشتر سمبل‌ها را در خود زنده کنیم آمادگی بیشتر برای رسیدن به ظهور عشق را در خود پیدا می‌کنیم.

قطره ای کز بحر وحدت شد سفیر
هفت بحر آن قطره را باشد اسیر

گر کف خاکی شود چالاک او
پیش خاکش سرنهدا فلاک او

خاک آدم چون که شد چالاک حق
پیش خاکش سرنهند املاک حق

السّمَاءُ النّشَقَّةُ آخِرُ أَجْزَاءِ
از یکی چشمی که خاکی
برگشود...

بس یقین شد که تُعْرِزُ مَن تَشَاءُ
خاکی را گفت پرها
برگشا

(مولوی، 1371: 238، دفتر دوم، ابیا 1626 تا 1629 و 1636)

وسرانجام باید دانست که هیچ دینی مانند اسلام، به برادری و اخوت فراخوانده است و به پی ریزی
اتحاد و هم بستگی و هم یاری و همکاری فرمان نداده و بالطبع به شدت از دشمنی و تفرقه، برحذر نداشته است.

وحدت بی نهایتی گشت امام و مقتدی

باز رسید آیتی از طرف عنایتی

(مولوی، 1380: 897)

این یمین نیز می سراید:

هزار طعنه ی دشمن به نیم

دو دوست با هم اگر یک دلند در همه کار

جو نخرند

یکان یکان به سوی خانه راه

نظیر این بنمایم تو راز مهره ی نرد

نمی برند

دگر تپانچه ی دشمن به هیچ

ولی دومی مهره چو هم پشت یکدیگر گردند

رو نخرند

که دشمنان سوی یک تن به صد بدی نگرند

بکوش این یمین دوستی به دست آور

(شهیدی، 1381: 11)

عطار معتقد است که وحدت دارای نوری است که از برچیدن من و ما و دوئیت، تولید می شود:

تا نور وحدت زد علم، تا من و ما افتاده

برقی برون جست از قدم، بر کندگی تی راز هم

شد

(عطار نیشابوری، 1371: 143)

مخاطبان دعوت به یگانگی، نقاط مشترکی دارند که قرآن بر این نقاط، انگشت گذاشته و آنان را به یگانه شدن بر محور آن ها فراخوانده است.

تاکید بر این که انسان ها همه از خاک آفریده شده (حج:5) یا از يك پدر و مادر زاده شده اند؛ (حجرات:13) و این که کرامت انسانی به همه انسان ها متعلق بوده و رنگ و نژاد در آن تاثیر ندارد؛ (اسراء:70) توجه دادن به این نقاط مشترك در یگانگی جهانی است. دعوت از پیروان ادیان آسمانی و اهل کتاب به نقاط مشترك عقیدتی (آل عمران:64) نیز بدین سبب انجام گرفته است.

این شیوه ی اصیل قرآنی نه تنها میان مسلمانان بلکه میان کسانی که نزدیک ترین ادیان آسمانی را برگزیده اند و اهل کتاب به شمار می آیند، دیده می شود. آن جا که خداوند در آیه ی 64 آل عمران می فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ - وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا - وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ - فَآرِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا الشَّهَادَاتِ الْمُسْلِمَاتِ» بگو: ای اهل کتاب بیاید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است با یستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد؛ پس اگر [از این پیشنهاد] روی گردانند، بگوئید: شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما]

اقبال لاهوری شاعر فارسی زبان پاکستانی از جمله کسانی است که در برقراری روابط اسلامی نقش بسزایی داشته است او می گوید:

بررسول مارسالت ختم کرد

پس خداوند بر ما شریعت ختم کرد

اورسل را ختم، وما ایام را

رونق از ما، محفل ایام را

داد، ما را آخرین جامی که داشت

خدمت ساقی گری با ما گذاشت

حفظ سر وحدتِ ملت از او

قوم را سرمایه ی قوت از او

تا ابد اسلام را شیرازه بست (اقبال

حق تعالی نقش هر دعوی شکست

ناصرخسرو معتقد است اگرچه عناصر چهارگانه با هم مخالفند اما به علت دارا بودن نقاط مشترک، برادروار در کنار یکدیگر نشسته اند:

اگر ضد نداخشیجان، چاهرچارپیوسته بُوند ازغایت وحدت برادروار دریک جا

فردوسی نیز با سرودن ابیاتی ارزشمند همچون بیت زیر جایگاه وحدت را بیان می کند:

به لشکر توان کرد این کارزار به تنها چه خیزد ازیک سوار
(فردوسی، 1314:489، ج4)

مائب تبریزی با تشبیهات بسیار زیبا گاهی دوبرادر را مانند دومصرع می داند که با پیوستن به هم یک بیت را تشکیل می دهند و گاهی به دوبرگ سبز مانند می کند که از یک دانه به وجود آمده اند:

یاد ایامی که با هم آشنا بودیم ما هم خیال وهم صغیر وهم نوا
بودیم ما

معنی یک بیت بودیم از طریق اتحاد چون دومصرع، گرچه در ظاهر جدا بودیم ما

بود دائم چون زبان خامه حرف ما یکی گرچه پیش چشم صورت بین، دوتا بودیم ما

چون دوبرگ سبز، کز یک دانه سربیرون کند یک دل و یک روی، در نشونما بودیم ما

دوری منزل، حجاب اتحاد ما نبود داشتیم از هم خبر
، در هر کجا بودیم ما

چاره جویان را نمی دادیم مائب درد سر دردهای کهنه هم را دوا
بودیم ما

1/4/2- وحدت، فلسفه ی بعثت پیامبران

امام خمینی (ره) درباره توحید کلمه و توحید عقیده می فرماید: «یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیاء عظام، سلام الله علیهم، که علاوه بر آنکه خود مقصود مستقل است، وسیله ی پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه ی فاضله می باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است.» (خمینی، 1386: 3)

قرآن کریم حفظ وحدت و پیشگیری از هرگونه تفرقه را فلسفه ی تشریح دین و بعثت پیامبران معرفی کرده، می فرماید: «مردم امتی یگانه بودند، سپس خداوند پیامبران را مژده رسان و بیم دهنده برانگیخت و به همراه آنان، کتاب را به حق نازل کرد تا میان مردم در آن چه که اختلاف داشتند داوری کند.» (بقره: 213)

1/5/2- اتحاد، اطاعت از پیامبران

خداوند در آیه ی 285 سوره ی بقره می فرماید: «...والمؤمنون كل آمن بالله وملائكته وكتبه ورسله، لانفرق بين احد من رسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانك ربنا واليك المصير» یعنی و مومنان همه به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیامبران خدا ایمان آوردند و (گفتند): ما میان هیچ یک از پیامبران خدا فرق نگذاریم و همی یک زبان و یک دل فرمان خدا را شنیده و اطاعت کردیم. خدا یا ما امرزش تورا می خواهیم و می دانیم که بازگشت همه به سوی توست.

1/6/2- اتحاد، یآوری و پشتیبانی

اگر اندکی ببیندیشیم درمی یابیم که خدای بزرگ، چگونه مردان و زنان با ایمان را یاور و پشتیبان

يکديگر قراردادده وگفته است: «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولياءُ بعضٍ يأمرونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (توبه:71)

نخستين توصيف مؤمن در اين آيه تعاون و همکاري نسبت به يکديگر است. پيامبر اکرم نيز مؤمنان را برادر يکديگر و مانند پيکري واحد مي دانند که اگر عضوي به درد آيدا اعضاي ديگر نيز احساس درد مي کنند. (مصطفوي، بي تا: 242، ج3) وجه زيبا سعدي عليه الرحمه فرموده است:

بني آدم اعضاي يکديگرند (يک پيکرند) که در آفرينش زيک گـ_____ وهرند

چو عضوي به درد آورد روزگـ_____ ار دگر عضوهارا نيا بـ_____ قرار

تو که محنت ديگران بي غمـ_____ نشايـ_____ که نامت نهند آدمي

(سعدي، 1365: 47، گلستان، باب 1)

و به قول سيد قطب، در طبيعت فرد مؤمن يگانگي و همکاري وجود دارد، همه با هم هم پشت و مددکارند و همکاري آن هادر کار نيک و جلوگيري از کار نا پسند است. (سيد قطب، 1361: 253، ج4)

سنايي غزنوي در حقيقه الحقيقه، پشتيباني آب را از هم جنسش باعث بارور شدن باغ و بوستان و اصلاح خشکسالي مي داند:

آب را چون مدد يوده هم از آب گلستان گردد آن چه بود خراب

و فردوسي سراينده ي اثرگران سنگ شاهنامه معتقد است وقتي دوبرادر با هم يار و ياور باشند مي توانند به آساني کوه را از جاي در آورند:

زدانا تونشيد ي اين داستان که برگويد از گفته ي باستان

که گرد و برادر نهند پشتِ پشت تنِ کوه را باد ماند به مشت

نظامی، شاعرنامی و نامدار ایران اسلامی که توجه و تکیه ی او بر مضامین اخلاقی، اجتماعی و اندرزی، برای شعر او در ادبیات فارسی جایگاه والایی ایجاد کرده است، بابت زیرآمیزش و جوشیدن در میان توده های مردم را در پرتو تألیف قلوب و همدلی سفارش می کند و از جمله میزگی ها و صفات ممتاز انسانی را، خوگری و الفت انسان با دیگر انسان ها می داند:

با مردم درآمیز اگر مردمی

که با آدمی خوگراست آدمی

(نظامی، 1380:853)

مولانا راه رسیدن به این وحدت را، گذشتن از تلخی ها و شیرینی های داند:

تا زهر و از شاکر درنگذری

کی ز وحدت وز یکی بویی بری (مولوی: 1371)

از نعمان بن بشیر روایت شده است که رسول خدا (ص) فرمودند: «تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاهُمْ هِمًا، وَتَوَادُّهُمْ، وَتَعَاظُفَهُمْ، كَمَا تَلِ الْجَسَدُ، إِذَا اشْتَكَى عَضْوًا تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى». (بخاری: 6011) یعنی مؤمنان در شفقت، دوستی و مهربانی با یکدیگر مانند اعضای یکدیگرند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضا بی قرار می گردند و تب می کنند. (بخاری، 1384:587، ج2، باب دهم، حدیث 1995)

در حدیث دیگری از پیامبر روایت شده است: «الْمُؤْمِنُ لِيْلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بِعَضْوِهِ بَعْضًا ثُمَّ شَبَّكَ بَيْنَ اصَابِعِهِ...» (بخاری: 6027) یعنی مؤمنان برای یکدیگر مانند اجزای یک ساختمان هستند که باعث تقویت و استحکام یکدیگر می شوند. سپس رسول ﷺ انگشتانش را داخل یکدیگر نمودند (و با این کار استحکام را به حاضرین نشان دادند). ... (بخاری، 1384:590، ج2، باب شانزدهم، حدیث 2003)

آیه ی 4 سوره ی مبارک صف نیز ناظر بر همین معناست: «إِن يَأْتِ الْذِينَ يَفَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَا كَانَهُمْ بَنِيَان مَرصُوم» در حقیقت خدا دوست دار کسانی است که در راه او صف در صف، چنان که گویی بنایی ریخته شده از سرب اند، جهاد می کنند.

روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که: «المؤمنون كَرَجُلٍ وَاَحَدٍ اِنْ اَشْتَكِيَ عِيْنَهُ اَشْتَكِيَ كُلَّهُ» و اِنْ اَشْتَكِيَ رَاسَهُ اَشْتَكِيَ كُلَّهُ» (الهي: 1382: 8، به نقل از مسلم) شخص مؤمن مانند مرد واحدی است اگر چشمش شکایت کند تمام اعضای بدنش شکایت می کند و اگر سرش شکایت کند، تمام اعضای بدنش شکایت می کند.

2/2- وحدت در احادیث و کلام بزرگان

حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) نمونه يك انسان کامل الهی است و نگاه ما به پیامبر اعظم (ص) به عنوان يك الگوی ازلی هیچگاه تغییر نمی کند زیرا پیامبر رحمت^و للعالمین است.

هیچ نبی و کتابی همانند پیامبر اکرم و قرآن کریم نبوده اند که آن قدر به این رمز سعادت بشری یعنی وحدت تکیه داشته باشند، اما جامعه مسلمانان دچار تفرقه است و این سایه شوم متأسفانه بر سر جامعه اسلامی سایه افکنده است.

2/1/2- وحدت، هم دردی با یکدیگر

از «نعمان بن بشیر (رض)» روایت است که رسول خدا (ص) فرمود: «تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاخُؤِهِمْ، وَتَوَادُّهُمْ، وَتَعَاطُفِهِمْ، كَمَا تَلِدُ الْجَسَدَ، إِذَا اَشْتَكِيَ عَضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى». (بخاری، 6011: 1384) «مؤمنان در مهرورزی و دوستی و عطوفت مانند یک پیکرند که هرگاه عضوی از آن به درد آید سایر اعضا با بی خوابی و تب به یاری آن می شتابند» (الخواری مصری، 90 و 89: 1377، بخاری، 587: 1384، ج 2، باب دهم، حدیث 1995) با توجه به حدیث فوق، مؤمنان چنان هستند که اگر مصیبتی دامن گیر یکی از آن ها شود بقیه ی مؤمنان، خود را سهم می دانند و در آسان نمودن مشکل به یاری اش می شتابند. ملات های مسلمان نیز باید عبرت گرفته و بیاموزند که وقتی مانند پیکر واحدی هستند باید در تنهایی ها و مشکلات به یاری یکدیگر بشتابند این که سرزمین خود را برای کوبیدن مسلمین در اختیار دشمنان اسلام قرار دهند.

و در حدیث دیگر می فرمایند: «یَدَا عَلِي الْجَمَاعَه» (الهدی، 1382:30، بیه نقل از ترمذی) دست خدا همراه جماعت است.

و نیز: «دوتن از یکی بهتر و سه تن از دوتن برتر و چهارتن از سه تن نیکوتر است، پس همیشه با جماعت باشید.»

ابوالدرداء می گوید: اسلامی نیست مگر به فرمان برداری، و خیری نیست مگر در جماعت. (تاریخ مدینه ی عشق، 25/24).

علامه اقبال نیز با استناد به این احادیث، جماعت را رحمت دانسته و ما را به وحدت و جمع گرای تشویق می نماید زیرا شیطان به راحتی نمی تواند در جماعت نفوذ کند:

فرد را ربط جماعت، رحمت است
است (حجازی، 1354:39)

تا توانی با جماعت، یار باش
رونق هنگامه ی احرار باش

حزب جان کن گفته ی خیرالبشر
هست شیطان از جماعت دورتر (لاهوری: 1330)

فرد می گیرد ز ملت احترام
ملت از افراد می یابد نظام
(حجازی، 1354:39)

فرد تا اندر جماعت گم شود
قطره ی دریاطلب، قلزم شود
(همان، 1354:39)

در خطبه ی 127 نهج البلاغه از حضرت علی (ع) نقل شده است: «وَالزَّيْمُوا السَّوَادَ الْعَظَمَ» یعنی با سواد اعظم (اجتماع و جمعیت) همراه شوید. (بی آزار شیرازی، 1404:39، ج2، مقاله ی: مراحل مبارزه ی اسلام با تفرقه افکنان از آیت ا منتظری)

عطار، وحدت را چون گنجی می داند که برای رسیدن به آن تحمل رنج را پیشنهاد می کند:

چون به تاریکی دَرَسْت آبِ حیات
دهند (عطار، 1371: 168)

مولوی نیز با ایراد همان عقیده می گوید:

صورت سرکش، گدازان کن به رنج
تا ببینی زیر او وحدت چو گنج

(مولوی، 1371: 31، دفتر اول، بیت 693)

2/3/2- وحدت، برادری اسلامی

پیامبر اکرم در اندیشه و علم و عمل با تعصبات قومی و نژادی مقابله و مبارزه می نمودند و همواره به وحدت و برادری و عزت و مودت فرامی خواندند.

این سخن ژرف و بیدارگراز پیامبر اکرم (ص) است که فرمودند: «ای مردم همه ی شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک آفریده شده است. عرب را بر غیر عرب هیچ فضیلت و برتری نیست مگر به تقوا و پرهیزگاری.» (حرّانی، بی تا: 34)

و نیز: «المسلمون اِخْوَةٌ لِفَاضِلٍ لَّا حَدَّ لِاَلَّا بِاَلتَّقْوِی.» «مسلمانان با هم برادرند و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد مگر از حیث تقوا.»

از امام صادق (ع) نقل شده است که: «تَوَاصَلُوا وَتَبَارَّوا وَتَرَاخَمُوا وَكُونُوا اِخْوَةً اَبْرَارًا كَمَا اَمَرَکُمْ اَللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ.» (کلینی رازی، 1375: 175، ج 2، 2) «با یکدیگر پیوند داشته باشید و خوشرفتاری و مهربانی نمایید و برادرانی نیکوکار باشید، همان گونه که خدای عزوجل فرمانتان داده است.» (خمینی، 1386: 4) و در سخنرانی دیگر می فرمایند: «در جمهوری اسلامی همه ی برادران سنی و شیعه در کنار هم و با هم برادر و در حقوق مساوی هستند. هر کس خلاف این را تبلیغ کرد، دشمن اسلام و ایران است.» (همان، 1386: 245)

وسرانجام باید دانست که هیچ دینی مانند اسلام، به برادری و اخوت فرانخوانده است و به پی ریزی اتحاد و هم بستگی و هم یاری و همکاری فرمان نداده و بالطبع به شدت از دشمنی و تفرقه، برخوردار نداشته است.

2/4/2- وحدت، رشد عقل

عقل یکی از منابع غیرقابل انکار شناخت و معارف بشری در همه زمینه های مادی و معنوی حیات است. در آموزه های مترقی اسلام، آن مقدار که از عقل ستایش شده، از کم تر مقوله ای تمجید گردیده است و این ستایش به گونه ای است که به کاربرد و کارایی عقل و تأثیر آن در شناخت واقعیت های عالم هستی و تمیز درستی از نادرستی و نیز استنباط احکام شرعی نظر دارد پیامبر اکرم می فرماید: «والتودد الي الناس نصف العقول» (لاله، 1382: 20) دوستی با مردم نیمی از عقل است. مولانا نیز با استناد به آیات قرآن و در سایه وحدت، ما را به مشورت فرامی خواند و می گوید:

مشورت ادراک و هشیاری دهد
عقل ها مرعقل را یاری دهد
(مولوی، 1371: 47، دفتر اول، ب، 1059)

صائب تبریزی شاعر گرانقدر فارسی، وحدت فکر را به جوشن و سپری شکست ناپذیر تشبیه می کند.

خوش آن گروه که مست بیان یکدگرند
ز جوشن فکر، می ارغوان یکدگرند

نمی زنند به سنگ شکست، گوهر هم
پی رواج، متاع و کان یکدگرند

زنند به سر هم گُل، زمصرع رنگین
که از گُشاد جبین، گلسِتان
یکدگرند (صائب تبریزی 1382: 46)

ملک الشعراء بهار، از شاعران و نویسندگان دوره ی مشروطه، در دیوان اشعارش به کرات مسلمانان را به وحدت و هم آرایی دعوت و از افتراق و جدایی بازمی دارد و تنها راه نجات و سعادت جامعه ی اسلامی را وحدت برمی شمارد:

خوش بُوَد ازملتِ اسلامِ عزیز

دست بشویند زکین و ستیز

زان که فزون است بداندیشِ ما

دشمنِ مَلکِ وعدوِّ کیشِ ما

چاره ی ما نیست به جز اتحاد

این رهِ رشد است، فَنَدِعمَ الرَّسَدِ شاد

(بهار 1382: 452)

2/5/2- وحدت، ریسمان الهی

ابن مسعود (رض) می فرماید: به این طاعت و جماعت پایبند باشید زیرا این همان ریسمانی است که خداوند فرمان داده است؛ بدان چنگ زنید و آن چه در جماعت خوش نمی دارید بهتر است از آن چه در پراکندگی خوش می دارید. (ابن ابی شیبه، المصنف، 8/ 627؛ حسینی، 1386: 86)

در صحیحین به روایت ابن عباس از پیامبر (ص) آمده است: هر کس به اندازه ی یک وجب از جماعت مسلمانان فاصله بگیرد و در این حال جان بسپارد بر جاهلیت مرده است. (قرضاوی، 1378: 40)

مسلمانان تا به طور همگانی با اخلاص و ایمان در مبارزه ی ملّی شرکت نکنند به پیروزی نخواهند رسید. شرکت پرشور توده های مردم در مبارزه ی ملّی مستلزم وجود ملّتی واحد و حقیقی می باشد. پیوستگی مطلوب از وحدت روحانی و معنوی مردم سرچشمه می گیرد. وحدتی که از هماهنگی در ایمان به فلسفه ی حیات پدید آمده باشد. چنین وحدت معنوی و پیوستگی ملّی، مردم را قادر می سازد که در آشوب حوادث به هدف صیانت حیات ملّی نایل آیند و در کار دفاع ملّی کوشا باشند و مصائب آن را با شوق و رغبت هر چه تمام تر تحمل نمایند. (فارسی، 1345: 51 تا 59)

در زمینه ی پرهیز از ستیزه جویی نیز به آیات و احادیث زیادی بر می خوریم از آن جمله: «ابوبکر بن نفیع بن الحارث الثقفی» می گوید که از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: «هرگاه دوفرد مسلمان شمشیر به دست با یکدیگر روبه رو شوند قاتل و مقتول در آتشند، گفتم یا رسول الله (ص) قاتل به جای خود، مقتول چرا؟ فرمود: زیرا او نیز در کشتن برادرش حریص بوده است». زیرا مؤمنی که قلبش مملو از نور ایمان است دستش را به خون برادرش آغشته نمی کند و جانش را نمی گیرد و یا قصد جانش را

نمی‌کند. البته اگر علیه کسی که ستمکاریا متجاوز است و قصد جان، مال و ناموس انسان را داشته باشد اقدام شود، نه تنها گناهی صورت نمی‌گیرد بلکه از اجر و ثواب نیز برخوردار خواهد شد، زیرا به وظیفه‌ی شرعی رفتار گردیده است و مجرمی از صحنه برداشته شده است.

هرگاه دو گروه یا دو کشور مسلمان با هم به خصمه پردازند وظیفه‌ی سایر مسلمین و سایر بلاد اسلامی است که بین آن‌ها صلح و آشتی برقرار نماید، اگر یکی از آن‌ها به جنگ ادامه داد بر مسلمین است که بر علیه متجاوز بجنگند و اگر کسی در این راه کشته شود شهید خواهد بود.

ام المؤمنین عایشه نیز از پیامبر روایت می‌کند: «منفورترین اشخاص در نزد خداوند، شخص ستیزه جوست». (الخوالي مصري، 1377:136)

حال و کیلی که می‌دانند که موکّلتش برحق نیست و در دفاع از او پافشاری می‌کند و یا عالمی که می‌داند افکارش باطل است اما با افکارش مردم را فریب می‌دهد آیا طبق این فرموده جزء منفورترین افراد نخواهد بود.

2/2/6- وحدت، اطاعت از امیر

در حدیثی از خلیفه دوم روایت شده است: «لَا زَنْهَةٌ لَّا إِسْلَامَ إِلَّا بِجَمَاعَةٍ وَلَا جَمَاعَةَ إِلَّا بِأَمَارَةٍ وَلَا أَمَارَةَ إِلَّا بِطَاعَةٍ.» (سنن دارمی، ج1، ص79) به تحقیق اسلام بدون جماعت و جماعت بدون رهبری و رهبری بدون اطاعت معنی ندارد. (مصری، 1381، ص7 و 18)

استاد محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به «شهریار» ضرورت وحدت در میان جامعه‌ی اسلامی را با پیوند دادن قلوب پراکنده و شرکت در صف نماز جماعت و اقتدا و پیروی از امام می‌داند:

همه لجاج ولجوج وهمه عناد و عنود

معلق است به موی جهان و بر سر آن

صف نمازکن این جدال

خود این قلوب پراکنده را به هم پیوند

و جنود (شهریار، 1376، ج2، ص984)

امروز جهان اسلام، برای بازگشت به اتحاد و اتفاق و افتداری و وحدتی که پیامبر اکرم (ص) برای بنیان نهادن آن زحمات طاقت فرسا و فعالیت های بی وقفه مبذول داشتند، راهی جز حرکت بر محور اسلام ندارد. و این اتحاد بدون فراهم کردن ساز و کارهای و ابزارهای کارآمد آن مصداق نمی یابد:

1- چنگ زدن به ریسمان الهی: قرآن کریم در صریح ترین آیه خود (آل عمران: 103)، در دعوت به اتحاد، تمام مؤمنان را به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه می خواند و می گوید: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا...». ؛ یعنی همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید؛ و نعمت خدا را به خود یاد کنید آن گاه که با هم دشمن بودید و او میان دل های شما الفت انداخت تا به لطف او برادر یکدیگر شدید و برپرتهای از آتش بودید، و او شمارا از آن رها نید. این آیه شریفه از مسلمانان می خواهد که با اسلام از دنیا خارج شوند، از این رو اعتصام به ریسمان الهی با توحید منهای نبوت پیامبر و لوازم آن صادق نیست.

و نیز خداوند در آیات 146 و 175 نساء و 101 آل عمران از تمسک جستن به خداوند، سخن به میان آورده است. در این که مقصود از ریسمان الهی چیست، مفسران اختلاف دارند. قرآن، کتاب و سنت، دین الهی، اطاعت خداوند، توحید خالص، ولایت اهل بیت (ع) و جماعت، وجوهی است که در تفسیر آن گفته شده است. برخی نیز مفهوم حبل الله را شامل همه این معانی دانسته اند. با این حال، به نظر می رسد که نزدیک ترین تفسیر برای این واژه، دیدگاه نخست یعنی قرآن است؛ چنان که در روایتی از رسول اکرم (ص)، قرآن؛ ریسمان الهی کشیده شده میان آسمان و زمین معرفی شده است: «کتاب الله هو حبل الله الممدود من السماء الي الارض». قرآن، خود از مومنان خواسته است تا در منازعات و اختلافات خود، به خداوند رجوع کنند: «فان تنازعتم في شئ فردوه الي الله»؛ بنابراین، قرآن افزون بر آن که می تواند در نقش محور یگانگی، ایجاد کننده آن باشد؛ می تواند در رویکرد اختلافات، یگانگی پیشین را نیز اعاده کند. چنین نقشی برای قرآن بدان سبب است که افزون بر دعوت همگان به یگانگی و بر حذر داشتنشان از تفرقه، نظام عقیدتی، اخلاقی و عملی منسجم و هماهنگی را ترسیم می کند که هر کس بدان رجوع کند، ناخود آگاه خود را با میلیون ها پیرو قرآن یگانه می یابد.

ابن مسعود (رض) در روایتی از وحدت به عنوان ریسمان الهی یاد می کند و می فرماید: به این طاعت و جماعت پایبند باشید زیرا این همان ریسمانی است که خداوند فرمان داده است؛ بدان چنگ زنید و آن چه در جماعت خوش نمی دارید بهتر است از آن چه در پراکندگی خوش می دارید. (ابن ابی شیبه، المصنف، 8/627)؛

درصحنه به روایت ابن عباس از پیامبر (ص) آمده است: هرکس به اندازه ی یک وجب از جماعت مسلمانان فاصله بگیرد و در این حال جان بسپارد بر جاهلیت مرده است. (قرضاوی، 1378: 40)

2- مراجعه به سنت پیامبر (ص): افزون بر آن که قرآن، وجود پیامبر (ص) را محوری برای همبستگی و یگانگی مسلمانان می‌شناسد (آل عمران: 159)، مراجعه به سنت حضرت را نیز راه کارهایی برای ایجاد و حفظ یگانگی معرفی کرده است: «فان تنازعتم فی شیء فردوه الی اﷲ و الرسول». بازگرداندن به رسول در روایت حضرت علی (ع) به مراجعه به سنت پیامبر تفسیر شده است. پیامبر (ص) با توجه به عهده دار بودن سمت شرح و تبیین قرآن در کنار مقام رسالت (نحل: 44)، افزون بر آن که خود می‌تواند برطرف کننده منازعات و مشاجرات باشد و بدین سبب پذیرش داوری وی مورد تاکید قرآن است (نساء: 65)، سنت حضرت به صورت شارح قرآن می‌تواند ابهامات و اشتباهات در فهم قرآن را که خود ممکن است زمینه ساز پراکندگی باشد، برطرف کند.

احمد رفاعی (رح) می‌فرماید: کسی که اقوال و افعال خود را با قرآن و سنت پیامبر مقایسه نکند و حالات نفسانی خود را سرکوب نکند از زمره ی مردان نیست. (حسن پور، 1385: 12)

3- امر به معروف و نهی از منکر: قرآن، پس از فراخوانی مسلمانان به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه، از آنان می‌خواهد که به انجام امر به معروف و نهی از منکر قیام کنند: «و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (آل عمران: 104) و بی‌درنگ، به آنان هشدار می‌دهد که به سان پیروان ادیان پیشین که در دینشان دچار چند دستگی شده اند، پراکنده نشوند: «ولاتکونوا کالذین تفرقوا» (آل عمران: 105) این امر نشان می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر، نقش ویژه ای در برقراری اتحاد و نیز جلوگیری از تفرقه ایفا می‌کند. برخی مفسران، این نقش را چنین تبیین کرده اند که اعتصام به حبل اﷲ، امت را به مثابه جان قرار می‌دهد و دعوت به خیر، این اصل را تغذیه می‌کند و امر به معروف حافظ و پشتیبان آن است. از نگاه برخی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر، پوششی اجتماعی برای محافظت جمعیت است و حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست. فخر رازی بر این باور است که اجرای امر به معروف و نهی از منکر به قدرت نیاز دارد و قدرت، به الفت و یگانگی منوط است. افزون بر آن، پذیرش چنین نقش مؤثری برای این دو فرضیه الهی، بدان سبب است که پراکندگی در دین و چند فرقه شدن، یا ناشی از اشتباه در فهم متون دینی است یا از هواپرستی افراد و گروه‌ها سرچشمه می‌گیرد و امر به معروف و نهی از

منکر به صورت نظارت اجتماعی می تواند مانع رهیافت و رواج چنین انحرافات باشد؛ همان گونه که قرآن، عامل تفرقه را نادانی نمی داند، زیرا معتقد است: پس از آمدن ادله و براهین پراکنده شده اند؛ بدین جهت گفته شده است که اگر میان یهود، انجام این فریضه رواج داشت، پراکندگی میان نشان رخ نمی نمود.

« امام اوزاعی » آمران به معروف و ناهیان از منکر را گوشزد می کند که از پنج چیز برحذر باشند: 1- آنچه که قلب را به فتنه و فساد می کشاند 2- آنچه کینه و نزاع به بار می آورد 3- آنچه قلب را جریحه دار می کند 4- آنچه پرهیزگاری را در گفتار ضعیف می سازد 5- آنچه حرکت و عمل نیک را بی ارزش می نماید. (بلالی، 1378: 121)

4- مراعات حقوق برادری: قرآن، مؤمنان را به مثابه جان های یک دیگر دانسته، از آنان می خواهد که به خویشان عیب نگیرند: «ولاتلمزوا أنفسکم» و بر حرمت سوءظن، حرمت تجسس، (حجرات: 12) و تهمت های ناروا، (نور: 23) پای فشرده و غیبت کردن مؤمن را به مثابه خوردن گوشت مرده برادر خود دانسته است: (حجرات: 12)، و به سبب هم سویی چنین پیوندی با اراده الهی، راه مؤمنان را محور حق برشمرده و عدم پیروی از راه آنان را هم سنگ مخالفت با پیامبر (ص) دانسته است (نساء: 115)، قرآن از مؤمنان خواسته است تا به سان بهشتیان، کینه ها از دل هایشان زدوده شود (حجر: 47)، و درون جان نشان به هم مهر ورزند و از خداوند، بخشیدن برادران دینی را پیش از خود و نیز زدودن کینه درباره برادران دینی را بخواهند: «ربنا اغفر لنا و لاخونا الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا» لذین ءامنوا.» (حشر: 10) در روایات اسلامی بر اهمیت پیوند برادری و کوشش برای استحکام آن با انجام اموری چون به دیدار هم رفتن، هدیه دادن و... نیز حقوق برادران ایمانی تأکیدهای فراوانی شده است.

5- اصلاح ذات البین: به رغم وجود عناصر اتحاد هم چون وحدت عقیده، رهیافت اختلاف و منازعه میان برادران ایمانی تا حدی طبیعی و جزو رهاوردهای زندگی اجتماعی است. این اختلاف می تواند در اعتراض به چگونگی تقسیم بیت المال باشد (انفال: 1) یا بر سر اموری که تا سرحد صف آرای و جنگ در برابر یک دیگر منتهی شود: (حجرات: 9)؛ اما قرآن برای مقابله با چنین اختلافاتی و به منظور ماندگاری یگانگی پیشین مؤمنان، از آنان خواسته است تا برای اصلاح میان برادران دینی و رفع منازعه مداخله (حجرات: 9) و در صورت ایجاد کدورت، خود به اصلاح فیما بین اقدام کنند: (انفال: 1)؛ چنان که برای رفع اختلاف در نهاد خانواده، پا در میانی و داوری از دو طرف را برای اصلاح میان زن و شوهر پیشنهاد می کند. (نساء: 35)

6- جلوگیری از توهین به مقدسات و بحث های اختلاف برانگیز: از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «المسلم من سلم المسلمون من لسانه ویده.» (الهدی، 1382: 23) مسلمان واقعی کسی است که مسلمانان دیگر از دست و زبانش در امان باشند.

در فرازی از حضرت علی (رض) آمده است: «لَو سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ.» (مجلسی بی تا: 1، ج 75) یعنی: اگر جاهل سکوت می کرد، مردم اختلاف نمی کردند.

امام خمینی (ره) در بخشی از سخنرانی خویش در نهم خردادماه 1360 در جمع روحانیون اهل سنت کردستان به جلوگیری از اختلاف اشاره کرده می گویند: «آنهايي که مي خواهند بين اهل سنت و اهل تشيع فاصله ایجادکنند نه سني هستند نه شيعه.» (خمینی، 1386: 252)

لقمان حکیم دل و زبان را بهترین و بدترین اعضای بدن می داند و می گوید: «اگر دل و زبان پاک باشند بهترین اعضای بدن هستند و اگر ناپاک باشند بدترینشان محسوب می شوند.» (حسن پور، 1385: 133)

7- برنامه های عبادی: در اسلام، تشریح عبادات به گونه ای انجام گرفته که فرد و اجتماع را خواسته یا ناخواسته به همگرایی و یگانگی عملی فرامی خواند.

الف. دعا: قرآن، افزون بر دعوت از مؤمنان به مناجات با خداوند (غافر: 60)، خود، در بردارنده عالی ترین مضامین دعا است و بررسی مضامین این دعاها نشان می دهد که غالب آن ها به صورت جمع ارائه شده است؛ نظیر آیات 191 تا 194 آل عمران که سفارش به دعا برای چهل مؤمن پیش از دعا برای خود، از آن حکایت دارد که اسلام به روح یگانه نگرستن امت، تأکید فراوان دارد.

ب. نماز: نماز، نماد عبادت در اسلام است و هر مسلمان وظیفه دارد در شبانه روز، حداقل هفده بار سوره فاتحه را که جامع و هم سنگ همه قرآن است، در نمازهای خود قرائت کند. با آن که کلمات این سوره از زبان يك شخص ادا می شود، در خطاب های آن، از ضمائر و هیئت جمع استفاده شده است؛ نظیر «ایک نعبد و ایک نستعین، اهدنا الصراط المستقیم»؛ چنان که از مسلمانان خواسته شده است هنگام نماز، همگی رو به کعبه بایستند. (بقره: 144) این امر نشان می دهد که قرآن در پی ایجاد روح هم گرایی و جمع نگری در دل هر مسلمان است؛ هرچند که تنها به نماز ایستاده باشد.

ج. نماز جماعت: تأکید بر حضور در مساجد و برقراری نماز جماعت: «و ارکعوا مع الرکعین»

(بقره:43) و نیز نوید دادن ثواب های فراوان به اقامه آن در روایات، از جمله برنامه های عبادی اسلام برای ایجاد هم گرایی است.

د. نماز جمعه: قرآن بر پای نماز جمعه و رها ساختن تمام کارها از جمله بیع برای ادای آن، تأکید کرده است. (جمعه:9) بدون تردید، حضور در نماز جمعه در هفته یک بار در کنار حضور روزانه در نماز جماعت، راهکاری برای ایجاد پیوند و یگانگی بیش تر مؤمنان به شمار می رود و تأکید بر حضور مؤمنان در اجتماعات، به همین امر ناظر است.

ه. مناسک حج: قرآن یکی از حکمت های وجوب حج را مشاهده منافع از سوی مسلمانان دانسته است: «ليشهدوا منافع لهم». (حج:28) پیداست که از مهم ترین منافع مورد نظر در این آیه، استحکام هرچه بیشتر پیوند برادری و یگانگی میان مؤمنان و نشان دادن قدرت آنان در صورت حفظ این یگانگی است. چنان که حرمت جدال و منازعه در حج (بقره:197) و بر تن کردن لباس های یک رنگ و ساده احرام و انجام مناسک حج همزمان و در کنار یکدیگر، همین هدف را دنبال می کند.

از دیگر گام هایی که می توان در تحقق وحدت برداشت، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1- سعی و تلاش در جهت تبلیغ و گسترش عدالت اجتماعی در جامعه و کم کردن فاصله ی طبقاتی بین مذاهب مختلف.

2- تقویت فرهنگ و دانش عمومی برای جلوگیری از تعصبات خشک مذهبی.

3- تعامل علمی با فرهیختگان مذاهب مختلف.

4- رفتار مسالمت آمیز با پیروان مذاهب مختلف.

5- تبادل نصیحت و همیاری بر اساس نیکی و تقوا؛ همان گونه که رسول اکرم (ص) می فرماید: «الدين النصيحة» (الهي، 17:1382 به روایت مسلم)

6- لزوم میانه روی و پرهیز از افراط و مبالغه گویی در دین. (قرضاوی، 17:1378)

7- عدم قاطعیت و سختگیری و مخالفت شدید در مسائل اجتهادی (همان: 1378: 17)

8- پرداختن به مشکلات کلان امت اسلامی. (همان: 1378: 17)

9- اغماص و گذشت و آسان گیری در مسائل اختلافی. (همان: 1378: 17)

4- سخن آخر

آن چه برای ما مسلمانان مهم است، این است که معرفت خود را نسبت به اسلام، قرآن و پیامبر اکرم (ص) زیاد کنیم. امروزه درد تفرقه و جدایی در دنیا یکی از دردهای مهم و بزرگ به شمار می رود، محور وحدت مسلمانان جهان می تواند مشترکات دینی به ویژه پیامبر اکرم (ص) باشد زیرا این مشترکات علاوه بر اعتقاد، یک پیوند عاطفی و معنوی را بین مسلمانان ایجاد می کند و دل ها و احساسات آنان را به یکدیگر متصل می نماید.

وضعیت دگرگون مسلمانان در سایه ی تفاهم، همیاری، یکپارچگی با رور خواهد شد و در سایه ی موجودیتی که از پراکندگی، ناسازگاری و رویارویی، رنج بسیار دیده است، خشک و بی روح خواهد بود. در نتیجه اتحاد، عامل بنیادین برافراشتن و شکوفندگی تمدن ها؛ و چندان دستگی عامل بنیادین شکست و سقوط تمدن ها خواهد بود. بر این اساس و بر طبق آیات قرآن و ارشادات نبوی، همگان باید وحدت و یکپارچگی را سرلوحه ی عمل خویش قرار دهند و از پراکندگی و خودرایی بپرهیزند؛ اخوت و دوستی را نصب العین خود قرار دهند و از دشمنی ها و کینه توزی ها اجتناب کنند.

منابع و مأخذ

1- قرآن کریم

2- الخوالی مصری، محمد عبدالعزیز، (1377)، چراغ مصطفوی، ترجمه: جلال جلالی زاده،

- 3- الهی، محمد عاشق، (1382)، زاد الطالبین (مزاد الراغبین)، اخراج الاحادیث: عبدالمجید مرادزهی خاشی، پاکستان: اسلامیات
- 4- بخاری، محمد بن اسماعیل، (1384)، مختصر صحیح البخاری، اختصارکننده، ابوالعباس زین الدین احمد بن احمد بن عبداللطیف الشرحی الزبیدی، مترجم: عبدالقادر ترشابید، زاهدان: انتشارات حرمین، چاپ اول.
- 5- بلالی، دکتر عبدالحمید (1378)، راه های نفوذ شیطان برای فریب انسان، محمد صالح سعیدی، تهران: نشر احسان، چاپ اول
- 6- بهار، ملک الشعر (1382)، دیوان، تهران: انتشارات آزاد مهر.
- 7- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، (1404 ق)، رسالت انقلاب اسلامی ایران در توحید کلمه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج 2.
- 8- پاینده، ابوالقاسم، (1382)، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش
- 9- تبریزی، مائث (1382)، دیوان، با تصحیح و مقدمه امیر فیروز کوهی، تهران: انتشارات کتب فروشی خیام.
- 10- حجازی، فخرالدین (ثبت دفتر کتاب خانه ی ملی 4/9/54)، سرود اقبال (لاقبال لاهوری)، تهران: انتشارات بعثت
- 11- حرّانی، حسن بن علی بن شعبه (بی تا)، تحف العقول.
- 12- حسن پور، پردل (1385)، سخنان نغز از صاحبان مغز، سراوان: ناشر مؤلف، چاپ اول.
- 13- حسینی، سید شهاب الدین، (1386)، اتحاد و انسجام اسلامی در احادیث مشترک اهل سنت و شیعه، ترجمه محمد تقدّمی صابری، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.

- 14- خمینی، روح الله (رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران)، (1386)، وحدت از دیدگام امام خمینی (س)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
- 15- سعیدی، مصحح الدین عبدالله، (1365)، گلستان سعیدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم.
- 16- سید قطب، (1361)، مجموعه مقالات اخلاق و تربیت در اسلام، ترجمه: روح الله مازندرانی، تهران: رسالت قلم، چاپ دوم
- 17- شهریار، محمدحسین (1376)، دیوان شهریار، تهران: انتشارات نگاه، 4 جلد.
- 18- شهیدی، ناهید (1381)، تمثیل های برگرفته از احادیث، تهران: انتشارات مهتاب، چاپ اول.
- 19- عطارنیشابوری، فریدالدین ابوحامد محمد بن ابوبکر بن ابراهیم بن اسحاق، (1371)، دیوان، تصحیح: اسماعیل شاهرودی (بیدار)، تهران: فخر رازی، چاپ اول.
- 20- علی ابن ابی طالب، (1387)، نهج البلاغه، گردآورنده: سیدرضی، مترجم: محمددشتی، مشهد: نورالمبین، چاپ دوم.
- 21- فارسی، جلال الدین، (بی تا)، حقوق بین الملل اسلامی، تهران: نشر فرهنگ 2 از انتشارات کانون محصلین.
- 22- فردوسی، حکیم ابوالقاسم (1314)، شاهنامه، به اهتمام: بیروخیم، چاپ تهران.
- 23- قرضاوی، یوسف، (1378) بیداری اسلامی و مواجهه ی صحیح با اختلافات، ترجمه: عبدالرسوی گلرانی، تهران: نشر احسان، چاپ اول .
- 24- کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب ابن اسحاق، (1375)، اصول کافی، شرح: جواد مصطفوی، تهران: ولی عصر، ج 2.

25- لاهوري، اقبال (1330)، ديوان اقبال لاهوري (حکمت اشعار)، تهران: کتابخانه سنایي، چاپ دوم.

26- متقي هندی، علاء الدين علي ابن حسام، (1374)، کنز العمال، قم: مؤسسه فرهنگي دارالحدیث.

27- مجلسي، محمد باقرين محمد تقی (بی تا)، بحار الانوار، بیروت، لبنان: دار احیاء التراث العربی، ج 75.

28- مصري، ابوالبراهیم احمد بن نصر □ (1381)، مبانې همبستگی و همگرایی، عبدالغني براهوي،

تایباد: انتشارات سنت، چاپ اول.

29- مصطفوي، جواد، (بی تا)، اصول کافي، ترجمه و شرح اصول کافي، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي،

3 (چهار جلدی).

30- معین، محمد، فرهنگ، (1384)، به اهتمام عزیز □ علي زاده، ج 4 (شش جلدی)، تهران: انتشارات

نامن، چاپ اول.

31- مولوي جلال الدين محمد بن محمد بن الحسين البلخي ثم الرومي (1371)، مثنوي معنوي، به کوشش

و اهتمام: رینولدالین نیکلسون، با مقدمه ی شادروان محمد عباسي، تهران: نشر طلوع.

32- (1380)، کلیات شمس تبریزی، حروف چینی: طاهري، مطابق با نسخه تصحیح شده استاد بدیع

الزمان فروزانفر، تهران: پیام، چاپ سوم، جلد دوم.

33- نظامی، (1380) دیوان، مصحح و گردآورنده: وحید دستگردی، تهران: انتشارات پارسا منش.

34- وحشی بافقی، کمال الدین (شمس الدین) محمد، (1370)، دیوان، تصحیح: محمد عباسي، تهران:

فخر رازی، چاپ سوم.

[1] - کارشناسي ارشد زبان و ادبیات فارسي، دبیر آموزش و پرورش شهرستان خواف، تلفن:

09153325574: همراه 05154224418 email: com.yahoo@toufigh74

[2] - دانشجوي کارشناسي فرش دانشگاه بیرجند

[3] - دانشجوي فوریت های پزشکی ، com.gmail@khaf.tjr